

Methodological Principles of Research in Descriptive Studies of Social Injuries

*Ahmad Hossein Sharifi**

Professor, Department of Philosophy, Imam Khomeini Educational and Research Institute, Qom

Email: sharifi@iki.ac.ir

Abstract

The main issue of this article is that in order to ensure descriptive studies of social injuries and assign them to Islamic thought, what methodological principles and requirements are necessary? To answer this question, by dividing descriptive studies of social injuries into five parts: definition, description, interpretation, explanation and prediction, attempts have been made to use the method. Inferential and relying on the principles of Islamic thought, we can express the methodological requirements of each of these sections. Avoiding limit definitions, being measured, comprehensive and influenced by defining the system of beliefs and values are the four methodological principles of definition. Truth and falseness, comprehensiveness, using combination method and clarity and impartiality are also described as four principles of methodology. Discipline, influence of insights and trends, use of endocrine methods and measurability are also interpreted as methodological requirements of the authority. Having a pluralistic view, measurability, delivery and efficiency are also principles that should be considered as explanations and finally, difficulty, uncertainty and measurability are among the rules and issues that should be considered as predicting social injuries.

Keywords: Social injuries, Descriptive studies, Methodology of social injuries.

*. Date of Reception: 2020/05/02 , Date of Acceptation: 2020/08/02

اصول روش‌شناختی پژوهش در مطالعات توصیفی آسیب‌های اجتماعی

احمدحسین شریفی*

استاد گروه فلسفه مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، قم

Email: sharifi@iki.ac.ir

چکیده

مسئله اصلی این نوشتار، این است که برای اطمینان‌بخش بودن مطالعات توصیفی آسیب‌های اجتماعی و انتساب آنها به فکر و اندیشه اسلامی، رعایت چه اصول و الزامات روش‌شناختی لازم است؟ برای پاسخ به این پرسش، با تفکیک مطالعات توصیفی آسیب‌های اجتماعی به پنج بخش تعریف، توصیف، تفسیر، تبیین و پیش‌بینی، تلاش شده تا با استفاده از روش استنباطی و با تکیه بر مبانی فکر اسلامی، الزامات روش‌شناختی هر کدام از این بخش‌ها را بیان کنیم. پرهیز از تعاریف حدی، سنجش‌پذیر بودن، همه‌جانبه بودن و تأثیرپذیری تعریف از نظام باورها و ارزش‌ها، چهار اصل روش‌شناختی تعریف است. صدق و کذب‌پذیری، جامعیت، استفاده از روش ترکیبی و وضوح و بی‌طرفانه بودن نیز چهار اصل روش‌شناختی توصیف‌اند. ضابطه‌مندی، تأثیرپذیری از بینش‌ها و گرایش‌ها، استفاده از روش‌های درون‌کاو و سنجش‌پذیر بودن نیز از الزامات روش‌شناختی مقام تفسیرند. برخورداری از نگاهی کثرت‌گرایانه، سنجش‌پذیری، تحویل‌گرایی و کارآمدی نیز اصولی‌اند که در مقام تبیین باید مورد توجه قرار گیرند و بالاخره، دشواری، عدم قطعیت و سنجش‌پذیری نیز از قواعد و مسائلی است که در مقام پیش‌بینی آسیب‌های اجتماعی باید مورد توجه قرار گیرند.

کلیدواژه‌ها: آسیب‌های اجتماعی، مطالعات توصیفی، روش‌شناسی آسیب‌های اجتماعی.

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۲/۱۳، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۵/۱۲

مقدمه

مسئله آسیب‌های اجتماعی نه مسئله‌ای نوظهور است و نه اختصاص به جامعه ما دارد. در هر عصر و مصری، با حفظ اختلاف در شدت و تنوع، آسیب‌هایی ناظر به آرمان‌های اجتماعی و متناسب با مقتضیات زمانی و مکانی وجود داشته است. چراکه هیچ جامعه معصوم و بی‌عیبی وجود نداشته و نخواهد داشت. بنابراین، به صورت پیش‌فرض می‌توان پذیرفت که در هر جامعه‌ای درجات و سطوحی از آسیب وجود دارد. جامعه ما نیز همچون همه جوامع دیگر، محاسن و معایبی دارد.

چندین دهه است که محققان علوم اجتماعی در جامعه ما، نسبت به مسائل و آسیب‌های فرهنگی و اجتماعی در کشور حساسیت داشته و در این باره مطالعات و تحقیقات فراوانی داشته‌اند. برای نمونه کرباسی، ۴۸۹۷ عنوان کتاب، پایان‌نامه، مقاله، میزگرد، همایش و قوانین دولتی را گزارش می‌دهد که تا شهریور ۱۳۸۰ فقط درباره پدیده طلاق در کشور ما منتشر شده یا برگزار شده است (کرباسی، ۱۳۸۲). بر اساس آمار رسمی منتشر شده از سوی مرکز ملی آمار، در سال ۱۳۸۰ میزان طلاق ۶۰۵۵۹ مورد بوده که تقریباً به ازای هر ۱۱ ازدواج، یک طلاق ثبت می‌شده است؛ اما این میزان در سال ۱۳۸۹، به ۱۳۷۲۰۰ طلاق رسید. به عبارت دیگر، در ازای هر شش و نیم ازدواج یک طلاق ثبت شده است. این آمار در سال ۹۶، به ۱۷۴۵۹۷ طلاق رسیده است که در ازای هر سه و نیم ازدواج یک طلاق ثبت شده است. توجه به این آمار نشان می‌دهد، علی‌رغم همه فعالیت‌های علمی صورت گرفته، هیچ توفیق و پیشرفتی در کنترل این آسیب خانمان‌سوز نداشته‌ایم.

در این مقاله فرصت سخن گفتن درباره چرایی عدم موفقیت در این زمینه نیست. ممکن است گفته شود، یکی از مهم‌ترین دلایل این عدم موفقیت، بی‌توجهی به توصیه‌های کارشناسان و متخصصان است. اما در یک نگاه آسیب‌شناسانه به آثار و پژوهش‌های صورت گرفته با دو مشکل عمده مواجهه می‌شویم: نخست اینکه، بیشتر همت اندیشمندان بر توصیف و تبیین آسیب‌ها بوده است و کمتر به روش‌های کنترل و مواجهه با آنها نظر داشته‌اند. دوم اینکه، غالب پژوهش‌های صورت گرفته، متأثر از مدل‌های تحلیل رایج در دنیای غرب بوده‌اند. متأسفانه محققان علوم اجتماعی در کشور ما کمتر به خود جرأت داده که بیاندیشند «کل اگر طیب بودی سر خود دوا نمودی». اگر آن تحلیل‌ها حتی برای جوامع غربی مفید بود، پس چرا روز به روز بر دامنه، تعداد و تنوع آسیب‌های اجتماعی در همان جوامع افزوده می‌شود!

به هر حال، نویسنده در این مقاله با استفاده از روش استنباطی تلاش می‌کند از منابع و مبانی فکر اسلامی، اصول و قواعدی برای روش‌شناسی پژوهش در مطالعات توصیفی آسیب‌های اجتماعی ارائه دهد. توجه به این اصول و قواعد می‌تواند حرکت علمی و تلاش‌های تحقیقی را در مسیری درست و اطمینان‌آور قرار دهد.

پیشینه تحقیق

درباره روش‌شناسی در علوم اجتماعی و انسانی به طور عام، کتاب‌ها و تحقیقات فراوانی تدوین شده است، که متأسفانه اغلب آنها، کتاب‌های ترجمه‌ای است. حتی بسیاری از کسانی که در این زمینه اقدام به تألیف کتاب کرده‌اند، نه نوآوری خاصی داشته‌اند و نه توجهی به مبانی فکر اسلامی کرده‌اند (برای نمونه، ر.ک: رفیع‌پور، ۱۳۸۲؛ محمدپور، ۱۳۸۹). در خصوص روش تحقیق در آسیب‌های اجتماعی، مطالعات بسیار اندکی صورت گرفته است. از آن جمله می‌توان به کتاب *روش‌های تحقیق بین‌رشته‌ای در اعتیاد و سایر مشکلات و انحرافات آسیب‌های اجتماعی (کیفی و کمی)* نوشته حسن رفیعی و همکاران اشاره کرد (رفیعی و همکاران، ۱۳۸۷). در عین حال، در این مطالعات نیز هیچ توجهی به مبانی فکر اسلامی وجود نداشته است. به عبارت دیگر، مطالعات اجتماعی در جامعه ما، از نظر روش کاملاً تقلیدی و ترجمه‌ای است و همین مسئله یکی از مهم‌ترین دلایل ناکارآمدی علوم اجتماعی در ایران است. ریل‌گذاری تحقیقات و مطالعات آسیب‌شناسی در کشور ما توسط روش‌شناسان سکولار و لیبرال غربی صورت گرفته است. طبیعتاً حتی اگر محتوای واکن‌های این قطار اسلامی باشد و حتی اگر لکوموتوران آن نیز مسلمانی معتقد باشد، باز هم محصول تلاش او نمی‌تواند به کار جامعه اسلامی بیاید. به همین دلیل، یکی از ضروری‌ترین اقدامات علمی در مطالعات آسیب‌شناسی اجتماعی، ارائه روش‌شناسی مطالعات بر اساس مبانی فکر اسلامی است. نویسنده در این مقاله می‌کوشد اصول روش‌شناختی پژوهش در مطالعات توصیفی آسیب‌های اجتماعی را با تکیه بر مبانی فکر اسلامی ارائه دهد.

مفاهیم

۱. مطالعات توصیفی

مطالعات آسیب‌شناسی اجتماعی را می‌توان به دو بخش عمده تقسیم کرد: مطالعات توصیفی و مطالعات توصیه‌ای. منظور از مطالعات توصیفی، مطالعاتی است که به تعریف، توصیف، تفسیر، تبیین و پیش‌بینی آسیب‌های اجتماعی می‌پردازد. منظور از مطالعات توصیه‌ای مطالعاتی است که خود را متکفل ارائه راه‌حلی برای کنترل یا مواجهه و مقابله با آسیب‌های اجتماعی، اعم از پیشگیری و درمان، می‌داند. توضیح آنکه به اعتقاد ما، مسائل اصلی در مطالعات آسیب‌های اجتماعی شش مسئله‌اند که هر یک روش‌شناسی خاصی برای پاسخ می‌طلبند. این شش مسئله متفاوت و البته مترتب بر هم عبارتند از: تعریف، توصیف، تفسیر، تبیین، پیش‌بینی و کنترل. در این میان، پنج رسالت اول، ناظر به بُعد توصیفی مطالعات آسیب‌شناسی‌اند و مسئله آخر مربوط به بُعد توصیه‌ای و ارائه راهکارها و راه‌حلی‌هایی است که از یک محقق علوم اجتماعی در مواجهه با آسیب‌های اجتماعی انتظار می‌رود.

به دلیل تفاوت‌های روش‌شناختی این دو نوع فعالیت، نویسنده در این مقاله صرفاً بر ارائه اصول و قواعد روش‌شناختی ناظر به مطالعات توصیفی می‌پردازد. روش‌شناسی مطالعات توصیه‌ای را به مقاله و نوشته‌ای دیگر واگذار می‌کند.

۲. آسیب‌های اجتماعی

اصطلاح آسیب‌های اجتماعی، بر اساس نظریه ارگانیزم و اندام‌وارگی در علوم اجتماعی و از مقایسه علوم اجتماعی با علوم زیستی یا از مقایسه جامعه و بدن انسان اقتباس شده است (ر.ک: ممتاز، ۱۳۸۱، ص ۴۹-۶۰). همان‌گونه که بدن انسان مبتلا به بیماری‌ها، آفات، آسیب‌ها و امراض می‌شود؛ جامعه نیز ممکن است مبتلا به آسیب‌ها، آفات و بیماری‌هایی شود که باید درمان شوند، والا ممکن است حیات اجتماعی با بحران و بلکه نابودی مواجه شود. به هر حال، منظور از آسیب‌های اجتماعی، بی‌نظمی‌ها، نابسامانی‌ها، اختلالات و انحرافات از هنجارهای پذیرفته‌شده جامعه است که بخش قابل توجهی از مردم یک جامعه را گرفتار کرده باشد (ر.ک: ستوده، ۱۳۷۹، ص ۱۴-۱۵). آسیب‌های اجتماعی، معلول عدم پایداری بخشی از جامعه به هنجارهای اجتماعی پذیرفته‌شده است. طبیعتاً مصداق‌شناسی آسیب‌های اجتماعی در جوامع مختلف، متفاوت است؛ زیرا مقیاس آسیب در هر جامعه‌ای، بر اساس دوری و فاصله از هنجارها و ارزش‌های پذیرفته‌شده آن جامعه تعیین می‌شود. براین اساس، آسیب‌های اجتماعی از نگاه اسلام و در یک جامعه اسلام‌پسند، با آسیب‌های اجتماعی در یک جامعه سکولار یا غیردینی، متفاوت خواهد بود.

اصول روش‌شناختی تعریف آسیب‌های اجتماعی

همان‌طور که اشاره شد، یکی از مسائل اصلی پژوهش‌های آسیب‌شناسانه، چستی و تعریف آسیب مورد نظر است. در این گام محقق مطالعات اجتماعی، تعریف خود را از آسیب اجتماعی مورد نظر ارائه می‌دهد و حدود و ثغور مفهومی آن را مشخص می‌کند. برای نمونه، محقق آسیب‌های اخلاقی در نخستین گام تحقیق خود را باید مشخص کند که منظور او از «مفسده اخلاقی» چیست؟ چه چیزی را بی‌اخلاقی اجتماعی می‌داند؟ و چه رفتار اجتماعی‌ای را بی‌اخلاقی نمی‌داند؟ چه نوع ارتباطاتی میان زنان و مردان جامعه را اخلاقی و چه نوع ارتباطاتی را غیراخلاقی و نادرست می‌داند؟ یا محقق که می‌خواهد درباره اعتیاد تحقیق کند، باید مشخص کند که منظور از «اعتیاد» چیست؟ آیا هر کاری که به صورت عادت و ملکه درآمده باشد و بی‌اختیار و بدون سنجش مستمر عقلانی صورت گیرد، اعتیاد است؟ آیا صرفاً عادت به «مصرف مواد مخدر» را اعتیاد می‌داند یا علاقه مفرط به مطالعه و بازی و اینترنت و امثال آن را نیز اعتیاد می‌داند؟ تفاوت یک برنامه‌نویس کامپیوتر که روزانه ۱۰ ساعت مشغول فعالیت کامپیوتری است با کسی که فقط به قصد بازی روزانه ۱۰ ساعت با کامپیوتر مشغول است چیست؟ چرا اولی را معتاد به کامپیوتر نمی‌داند؛ اما از دومی به‌عنوان یک بیمار یا معتاد کامپیوتری یاد می‌کند؟

به هر حال، نخستین گام در مطالعات آسیب‌شناسی اجتماعی، «تعریف» است. هدف از تعریف، کسب معرفت جدید نیست، بلکه پرده‌گشایی از چهره مفاهیم و تعیین موضوع و مسئله پژوهش است. تعریف، نخستین گام برای هرگونه حرکت علمی است؛ طبیعتاً صحیح برداشتن این گام، نقشی مهم در اتقان حرکت علمی ما دارد. فرایند تعریف نه روش یکسانی دارد و نه درجه اعتبار همه روش‌های آن یکسان است (خندان، ۱۳۷۹، ص ۶۱-۹۰؛

نظرنژاد، ۱۳۸۱، ص ۷۹-۹۸). در عین حال، برای اطمینان از مفید و کارآمد بودن، لازم است قواعد و اصولی را مراعات کرد که در ادامه بیان خواهیم کرد.

۱. اصل اول. ناکارآمدی تعاریف حدی

گزاره اصلی: تعریف حدی در مفاهیم ناظر به آسیب‌های اجتماعی امکان ندارد.

توضیح: مفاهیم ناظر به مطالعات آسیب‌شناسی اجتماعی، همگی از سنخ مفاهیم فلسفی، اعتباری و انتزاعی‌اند؛ لذا تعاریف حدی و رسمی مصطلح برای آنها نه امکان‌پذیر است و نه مفید، پس باید به دنبال تعاریف مفهومی رفت. یکی از راه‌های به دست آوردن تعاریف مفهومی، «تحلیل و ترکیب» است، یعنی از راه تحلیل و تقسیم و تفکیک ویژگی‌ها و عناصر یک مفهوم یا ترکیب آنها می‌توان عناصر و مؤلفه‌های مفهومی آن را به دست آورد. به این صورت که با تأمل در یک مفهوم، امور زائد و خارجی آن را حذف می‌کنیم و عناصر اصلی و ارکان مفهومی آن را باقی می‌گذاریم. این کار از راه مقایسه کاربردهای مختلف و متنوع یک مفهوم در زبان و عرف، قابل دستیابی است.

برای مثال، حاشیه‌نشینی به اصطلاح فلسفی، یک مفهوم ماهوی نیست که دارای مابازای عینی و خارجی باشد، بلکه مفهومی اعتباری و انتزاعی است، از مقایسه به دست می‌آید. والا هر فرد یا گروهی را به صرف اینکه در حاشیه شهرهای بزرگ یا کوچک سکونت دارد، نمی‌توان حاشیه‌نشین نامید. بلکه افزون بر مکان سکونت، زمان سکونت، کیفیت سکونت، انگیزه و دلیل سکونت، شرایط اقتصادی و امنیتی و اجتماعی و روابط فرهنگی ساکنان و امثال آن همگی در اتصاف یک گروه به حاشیه‌نشین نقش‌آفرین هستند. بنابراین، در مطالعات آسیب‌شناسی اجتماعی باید دنبال تعاریف مفهومی بود، یعنی مؤلفه‌های مفهومی و عناصر سازنده کنش یا پدیده مورد نظر را تشریح کرد. والا حقایقی مثل طلاق، اعتیاد و حاشیه‌نشینی که از امور اعتباری و انتزاعی‌اند، جنس و فصل ندارند که بخواهیم به دنبال تعاریف حدی آنها باشیم.

۲. اصل دوم. سنجش‌پذیری

گزاره اصلی: تعریف باید سنجش‌پذیر باشد؛ اما معیار سنجش تعاریف، شایستگی و ناشایستگی یا کارآمدی و ناکارآمدی است و نه درست و نادرست.

توضیح: محصول تعریف، علم تصویری است و نه علم گزاره‌ای. به همین دلیل، نمی‌توان از «صدق» و «کذب» تعاریف یا درست و نادرست بودن آنها و در نتیجه از «اثبات» یا «ابطال» آنها سخن گفت. اما می‌توان و می‌باید به کارآمدی، واقع‌بینانه بودن، مشکل‌گشا و راهبری تعاریف ارائه شده توجه کرد. به همین دلیل، هیچ کس نمی‌تواند تعاریف اسلامی از ازدواج، طلاق، خانواده، بیکاری، مفاسد اخلاقی و امثال آن را، به صرف اینکه با تعریف فلان جامعه‌شناس یا مردم‌شناس غربی و لیبرال متفاوت است، تعاریفی نادرست و غیرعلمی بداند.

۳. اصل سوم. همه‌جانبه بودن

گزاره اصلی: تعریف باید جامع و مانع باشد.

توضیح: تعریف باید به گونه‌ای باشد که مفهوم مورد نظر ما را از سایر مفاهیم همگن، از نظر مفهومی متمایز سازد. به تعبیر منطقیان، تعریف باید جامع افراد و مانع اغیار باشد. مثلاً، اگر کسی در تعریف حاشیه‌نشینی بگوید: «وضع زندگی تمام کسانی که در جامعه شهری ساکن هستند ولی از نظر درآمد، بهره‌گیری از امکانات و خدمات در شرایط نامطلوبی به سر می‌برند» (حسین‌زاده دلیر، ۱۳۷۰، ص ۶۴)، در واقع تعریفی تک‌بعدی از حاشیه‌نشینی ارائه داده است. یا اگر در تعریف تکدی‌گری بگوییم «انتقال پول یا کالا از یک واحد پویا به یک واحد بیکار» (فرخ‌وندی و همکاران، ۱۳۹۴، ص ۱۴۸)، روشن است که چنین تعاریفی نه جامع‌اند و نه مانع؛ نه همه حاشیه‌نشینان در فقر مادی به سر می‌برند و نه هر کس در فقر مادی و شرایط نامطلوب رفاهی زندگی کند، حاشیه‌نشین است. همان‌طور که نه هر کسی که به متکدیان کمک می‌کند، لزوماً پول یا کالای خود را از یک واحد پویا به یک واحد منفعل منتقل می‌کند و نه هر فرد متکدی لزوماً واحدی منفعل و بیکار است.

به عبارت دیگر، تعریف باید همه‌جانبه باشد؛ زیرا تعاریف تک‌بعدی ما را از شناخت واقعیت پدیده مورد مطالعه دور می‌سازند. کسانی که در تعریف حاشیه‌نشینی صرفاً به روابط اقتصادی توجه می‌دهند، و مسائل امنیتی، فرهنگی و خانوادگی را نادیده می‌گیرند، طبیعتاً در ادامه تحقیق خود نمی‌توانند تصویر و تصویری شایسته، کارآمد و واقع‌بینانه از حاشیه‌نشینی ارائه دهند.

۴. اصل چهارم. تأثیرپذیری از نظام باورها و ارزش‌ها

گزاره اصلی: هرگونه تعریفی از آسیب‌های اجتماعی، متأثر از نظام باورها و ارزش‌هاست.

توضیح: تعریف هر مفهوم و پدیده‌ای انسانی و اجتماعی وابسته به نظام باورها و ارزش‌های پذیرفته شده محقق است. از نگاه یک محقق مسلمان، هر رفتار اجتماعی که از هنجارها و آموزه‌های اسلامی زاویه داشته باشد، نوعی آسیب است. به همین دلیل، برای یک محقق مسلمان، هنجارهای جهانی، تا جایی که مطابق با اسلام و مورد قبول فکر اسلامی باشند، مورد توجه هستند و جایی که تعارضی میان آنها باشد، او هرگز مطالعات خود را بر اساس نرم‌های مورد قبول دیگران سامان نخواهد داد. برای مثال، اگر در جایی برای نشاط اجتماعی، شاخص‌هایی مثل میزان حضور در کاباره‌ها و بارها و سینماها و تئاترهای خیابانی و رقص و موسیقی و امثال آن را ذکر کردند، یک محقق مسلمان، نه تنها اینها را معیار و شاخصی برای سنجش نشاط اجتماعی نمی‌داند، بلکه آنها را از مصادیق آسیب اجتماعی دانسته و درصدد مقابله با آنها برمی‌آید.

اصول روش‌شناختی توصیف آسیب‌های اجتماعی

دومین گام پژوهش توصیفی در آسیب‌های اجتماعی، گام «توصیف» است. منظور از توصیف در اینجا،

توصیف بالمعنی‌الاصح است، یعنی پاسخی که محقق باید به پرسش از چگونگی پدیده یا کنش مورد مطالعه بدهد، یعنی چگونگی و کیفیت خارجی آسیب مورد نظر را تشریح کند. وضعیت موجود و بالفعل آن را بشناسد و به صورتی سنجش‌پذیر به دیگران بشناساند. پژوهشگر در این مقام با پدیده‌های تحقق‌یافته سروکار دارد. به دنبال ارائه گزارشی واقعی و دقیق از ویژگی‌های خارجی و عینی آسیب مورد نظر است. به عبارت دیگر، پژوهشگر در این مقام، به دنبال ارائه گزارشی بی‌طرفانه و امانت‌دارانه از «ما وقع» است. کمیت آسیب مورد نظر، کیفیت آن، زمان و مکان وقوع آن، مرتبطین با آن و مسائل پیرامونی آن را با دقت باید گزارش دهد.

دسته‌بندی‌های مختلفی برای روش‌های توصیفی ذکر شده است (برای مطالعه بیشتر در این زمینه، ر.ک: فرانکفورد و نچمیاس، ۱۳۹۰؛ محمدی، ۱۳۸۷). به‌طورکلی می‌توان شش روش عمده برای توصیف آسیب‌های اجتماعی نام برد که هر یک در سطح خود می‌تواند مفید باشد:

یک. مشاهده (observation): محصول مشاهده، داده‌های دست اول است. در روش مشاهده نیازی به مشارکت فعال افراد یا پدیده‌های مورد مطالعه در امر پژوهش نیست. در مطالعه برخی از انواع آسیب‌های اجتماعی مشاهده تنها روش صحیح فهم مآل‌واقع است. برای مثال، در مطالعه مسائلی چون اعتیاد و طلاق راهی جز مشاهده وجود ندارد. نه تحقیق کتابخانه‌ای می‌تواند توصیفی درست از این مسائل در اختیار ما قرار دهد، نه تأملات عقلی، نه مکاشفات عرفانی و نه مستندات نقلی و دینی. مشاهده به این دلیل که بی‌واسطه است اطلاعات مطمئن‌تری از روش‌های باواسطه در اختیار پژوهشگر قرار می‌دهد. در عین حال، باید توجه داشت که مشاهده در نهایت می‌تواند توصیفی سطحی و یک‌لایه‌ای از کنش را به ارمغان آورد. به همین دلیل، هر چند برای پژوهش‌های آسیب‌شناسانه بسیار لازم است، اما هرگز کافی نیست.

دو. پیمایش (Survey): که در عربی به آن «استیابان»، یعنی طلب بیان، گفته می‌شود. پیمایش یعنی تلاش در جهت فهم دیدگاه‌ها، رفتارها و نقطه‌نظرات افراد مورد مطالعه. پژوهش‌های پیمایشی برای کشف چگونگی شرایط موجود یک کنش انسانی و روابط میان رویدادهای مختلف مرتبط با آن مورد استفاده قرار می‌گیرد. این روش در جست‌وجوی ویژگی‌های موضوع مورد مطالعه است. گستره توصیف در این بخش ممکن است از یک فرد تا جامعه جهانی را دربر گیرد. در این نوع پژوهش با توجه به متغیرهایی همچون سن، جنس، وزن، درآمد، موقعیت شغلی، تحصیلات، تأهل یا مجرد، وضع زندگی و امثال آن به توصیف آسیب مورد نظر می‌پردازند. محصول آن از نظر عمق و کیفیت می‌تواند سطوح مختلفی داشته باشد: هم می‌تواند توصیفی سطحی باشد، چنانکه در سرشماری‌های عمومی برای به دست آوردن کمیت و کیفیت جمعیت صورت می‌گیرد؛ و هم می‌تواند توصیفی عمیق باشد. در پژوهش‌های پیمایشی عمیق‌تر، هدف پژوهشگر شناخت کنش‌های افراد و انگیزه‌های آنها با توجه به داده‌های پیمایشی و ارتباط میان متغیرهای تأثیرگذار در کنش‌ها است. به هر حال، با این روش، پژوهشگر می‌تواند توصیفی عمیق و چند لایه‌ای از مسئله مورد مطالعه به دست آورد.

محققان در روش پیمایشی دو شیوه کلی برای جمع‌آوری اطلاعات درباره موضوع مورد تحقیق ذکر کرده‌اند: پرسش‌نامه و مصاحبه. هر کدام از این شیوه‌ها، با توجه به مدل‌های مختلفی که دارند، محاسن و معایب خاص خود را دارند که در کتاب‌های روش تحقیق به آنها پرداخته شده است (ر.ک: فرانکفورد و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۳۶۴-۳۸۰). روش‌های پیمایشی در جایی مورد استفاده قرار می‌گیرند که پژوهشگر امکان مشاهده یا بررسی مستقیم موضوع مورد مطالعه خود را ندارد. به همین دلیل، با پرسش از کنشگرانی که مستقیماً آن پدیده را تجربه کرده‌اند و یا با مصاحبه با آنان سعی می‌کند، اطلاعاتی درباره آن پدیده به دست آورد. البته در بسیاری موارد دغدغه‌های وقت و هزینه موجب می‌شود که محصول چنین روش‌هایی چندان قابل اعتماد نباشد. در عین حال، چنین روش‌هایی اگر به درستی مورد استفاده قرار گیرند، می‌توانند اطلاعات قابل قبول و مورد اعتمادی از کنش یا پدیده مورد بحث جمع‌آوری کنند. هم شیوه طراحی پرسش‌نامه و هم شیوه مصاحبه امری بسیار حرفه‌ای و تخصصی است و برای انجام آنها باید آموزش‌های لازم را دید تا بتوان هر چه دقیق‌تر و بهتر به داده‌های مورد نظر دست یافت (محمدی، ۱۳۸۷، ص ۷۹).

سه. همبستگی (Correlational): اگر جهت تغییرات دو یا چند متغیر، همسو باشد، گفته می‌شود میان آن دو، «همبستگی مثبت» وجود دارد. برای مثال، گفته می‌شود میان اعتیاد و بیکاری همبستگی مثبت وجود دارد، یعنی به هر میزان که بیکاری بیشتر و مدت‌دار باشد، به همان میزان نیز احتمال گرفتار شدن در دام اعتیاد بیشتر است. اما اگر جهت تغییرات دو متغیر، همسو نباشد، بلکه افزایش یکی از آنها مقارن با کاهش دیگری و کاهش یکی، مقارن با افزایش دیگری است، گفته می‌شود که میان آنها «همبستگی منفی» وجود دارد. مثل رابطه میان تورم قیمت‌ها و قدرت خرید مردم. به هر میزان که نرخ تورم افزایش یابد، قدرت خرید مردم کاهش می‌یابد.

چهار. تحلیل داده‌های ثانویه (Secondary data analysis): در این روش، اطلاعات و داده‌هایی که در اختیار پژوهشگر قرار می‌گیرد، اطلاعات دست دوم است، یعنی نظرسنجی، مصاحبه، آمارگیری، مشاهده و امثال آن از سوی افراد و مراکز دیگر صورت گرفته است و آن داده‌ها در اختیار پژوهشگر قرار می‌گیرد. تحلیل داده‌های ثانویه یعنی تحلیلی که بر اساس اطلاعات گردآوری شده توسط دیگران صورت می‌گیرد. منبع اصلی تحلیل و نظریه‌پردازی پژوهشگر آسیب‌های اجتماعی در این روش، عبارت است از آمارهای مربوط به میزان بیکاری، طلاق، اعتیاد، حاشیه‌نشینی، مرگ‌ومیر، رشوه‌گیری، خشونت، میزان سوانح رانندگی و امثال آن، که توسط سازمان‌های خصوصی یا دولتی انجام گرفته و منتشر می‌شود. بسیاری از متخصصان حوزه آسیب‌های اجتماعی از روش تحلیل داده‌های ثانویه استفاده می‌کنند. برای مثال، دورکیم (۱۸۵۸-۱۹۱۷) با تکیه بر آمارهای رسمی مربوط به نرخ خودکشی در جوامع مختلف به این نتیجه رسید که «کاتولیک‌ها کمتر از پروتستان‌ها خودکشی می‌کنند» (دورکیم، ۱۳۷۸، ص ۴۵ و ۱۶۱-۱۶۸). وی با استناد به نقشه خودکشی در کشورهای اروپایی به این نتیجه می‌رسد که در کشورهای کاتولیک‌نشین مثل اسپانیا، پرتغال و ایتالیا، نرخ خودکشی به مراتب کمتر از کشورهای پروتستان‌نشین مثل پروس و دانمارک است. میانگین خودکشی در میان کشورهای پروتستان، ۱۹۰ نفر در هر میلیون نفر است، ما در کشورهای کاتولیک ۵۸ نفر.

پنج. تحلیل محتوا (Content Analysis): در این روش محقق می‌کوشد ویژگی‌های مخصوص پیام‌ها را به صورت نظام‌مند مورد تحلیل قرار دهد. البته این تحلیل باید مبتنی بر قواعد باشد و نه سلیقه‌ای و شخصی؛ به گونه‌ای که پژوهشگران مختلف با مطالعه آن پیام‌ها و محتواها، به نتایجی تقریباً یکسان نایل شوند. به همین دلیل، تحلیل محتوا باید عینیت و عمومیت را به‌عنوان شاخص‌هایی برای اعتبار عمومی تحلیل خود مد نظر قرار دهد. به قرائن و شواهدی توجه شود که عینیت و مطابقت تحلیل با واقع را نشان دهند.

شش. مشاهده همراه با مشارکت (participant observation): در این شیوه پژوهشگر تلاش می‌کند رابطه‌ای نزدیک با فرد یا جامعه مورد مطالعه خود برقرار کند. نقش چنین پژوهشگری عبارت است از: شریک شدن هوشیارانه و منظم در فعالیت‌های زندگی افراد مورد مطالعه و سهیم شدن در علایق یک گروه از افراد تا جایی که موقعیت اجازه می‌دهد. این شیوه زمانی می‌تواند موفقیت‌آمیز باشد که پژوهشگر، زبان، عادات، فرهنگ، ارزش‌ها، و باورهای افراد مورد مطالعه را بداند و بتواند برای زمانی نسبتاً طولانی از آنها تقلید کند و بدان شیوه عمل نماید. البته سطوح و لایه‌هایی از این روش در مطالعه آسیب‌های اجتماعی قابل اعمال نیست. برای مثال، به هنگام پژوهش بر روی بزهکاران اجتماعی نمی‌توان از محقق انتظار داشت با روش مشاهده همراه با مشارکت به تحقیق بپردازد و برای فهم انگیزه‌ها و دلایل آنها، به گونه‌ای رفتار کند که یکی از آنان شده باشد.

به هر حال، متناسب با مسئله مورد تحقیق از هر کدام یا از هر چند تا از این روش‌های توصیفی که استفاده می‌شود باید پاره‌ای از قواعد و اصول روش شناختی را مورد توجه داشت.

۱. اصل اول. صدق و کذب‌پذیری

گزاره اصلی: توصیف باید واقع‌گرایانه باشد و نه اعتباری و قراردادی.

توضیح: برخلاف تعریف، توصیف نمی‌تواند قراردادی و اعتباری باشد. توصیف اعتباری، ارزش ندارد. به تبع این ویژگی، توصیفات، برخلاف تعاریف، می‌توانند صادق یا کاذب باشند. توصیفات باید مستدل باشند؛ باید همراه با مستندات و شواهد و قرائن علمی صورت گیرند.

۲. اصل دوم. جامعیت

گزاره اصلی: در توصیف باید همه لایه‌های مشهود و نامشهود پدیده مورد مطالعه گزارش داده شود.

توضیح: با توجه به وابستگی روش توصیف به نوع مسئله و همچنین با توجه به چند لایه‌ای بودن آسیب‌های اجتماعی، در توصیف آنها نباید تک‌بعدی نگریند. ابعاد فرهنگی، تاریخی، جغرافیایی، اقتصادی و تربیتی را باید مد نظر قرار داد. به عبارت دیگر، در توصیف آسیب‌های اجتماعی، باید از توصیفات چندبعدی و چندوجهی استفاده کرد. روش‌های حسی و تجربی و آماری در این زمینه کفایت نمی‌کند. توصیف باید به گونه‌ای باشد که حتی الامکان همه جزئیات مربوط به آسیب مورد مطالعه را گزارش دهد.

۳. اصل سوم. استفاده از روش ترکیبی

گزاره اصلی: در توصیف، به جای اکتفا به روش کمی یا کیفی، بهتر است از روش ترکیبی استفاده کرد.

توضیح: توصیف کمی در مطالعات آسیب‌شناسی اجتماعی، هر چند مفید است، اما اکتفا به آن، قطعاً مضر بوده و ما را از فهم واقعیت آسیب‌های اجتماعی محروم می‌سازد. توصیفات کمی، در نهایت اطلاعات آماری و بیرونی آسیب‌ها را در اختیار ما قرار می‌دهند، اما توصیفات کیفی ابعاد درونی، نامشهود و نامحسوس را نیز آفتابی می‌کنند. البته همان‌طور که روش‌های کمی دارای مشکلات و نارسایی‌هایی در تحقیقات انسانی و اجتماعی هستند، تحقیقات کیفی نیز بی‌مشکل نیستند. یکی از مهم‌ترین مشکلات این نوع روش‌ها، تعمیم‌ناپذیری آنهاست. در عین حال، استفاده از هر دو روش می‌تواند ابعاد بیشتری از موضوع مورد مطالعه را برای ما آشکار کند.

۴. اصل چهارم. وضوح و بی‌طرفی

گزاره اصلی: توصیف باید بی‌طرفانه، منفعلانه و بدون حب و بغض باشد.

توضیح: محقق در مقام توصیف باید واقعاً نقش تماشاگر را ایفا کند و نه بازیگر. هر چند این کار بسیار دشوار است؛ تا جایی که برخی از هرمنوتیست‌ها آن را ناممکن می‌دانند. آنان مدعی‌اند همه توصیفات، از منظر ناظرند. یعنی یک محقق، آنچه را که می‌خواهد و دوست دارد را گزارش می‌دهد و نه لزوماً واقعیت را. ما در جای خود این نوع نگاه را نقد کرده و گفته‌ایم، هر چند ایفای نقش تماشاگری در مقام توصیف، کاری بسیار دشوار است، اما بدون آن نمی‌توان به هدف علم، که همان کشف واقعیت است، دست یافت (ر.ک: شریفی، ۱۳۹۵، ص ۱۷۸-۱۸۴). به هر حال، برای تأمین نگاه بی‌طرفانه در مقام توصیف، افزون بر تخلق به فضایی همچون حقیقت‌جویی، جامع‌نگری، مجاهدت و بردباری در انجام تحقیق، توجه به روش‌های متعدد عقلی، نقلی، شهودی و تجربی و وسعت دامنه تحقیقات و گردآوری همه اطلاعات مربوط می‌تواند مفید باشد.

اصول روش‌شناختی تفسیر آسیب‌های اجتماعی

سومین رسالت مطالعات توصیفی آسیب‌شناسی اجتماعی، تفسیر و معناکاوای رفتارهای ناهنجار، مجرمانه و ساختارشکنانه است. پژوهشگر در این مرحله، به جای تحلیل کنش‌ها، بیشتر به دنبال فهم ذهنیت کنشگر است. پژوهشگر باید با استفاده از روش‌های علمی، بتواند معانی نهفته در رفتارهای هنجارشکنانه افراد را دریابد. انگیزه‌ها و دلایل آنان از اعتیاد، طلاق، حاشیه‌نشینی و یا مفساد اخلاقی را فهم کند. روش‌های تفسیر، باید توانایی راه بردن به ذهنیت فاعل و کنشگر را داشته باشند. به عبارت دیگر، هدف از تفسیر، این است که محقق بتواند با استناد به شواهد عینی و علمی، درکی واقعی و مستدل از ذهنیت مبتلایان به آسیب‌های اجتماعی به دست آورد.

هر چند دستیابی به ذهنیت و مرادات و معانی نهفته در درون بزهکاران، کاری بسیار دشوار است، اما با رعایت

اصول و قواعدی می‌توان به صورتی تقریباً اطمینان‌آور به ذهنیت آنان دسترسی پیدا کرد. در ادامه اهم اصول روش‌شناختی در این حوزه را به اختصار بیان می‌کنیم:

۱. اصل اول. ضابطه‌مندی

گزاره اصلی: تفسیر، باید ضابطه‌مند باشد.

توضیح: در مباحث فلسفه علوم اجتماعی تحلیل‌های زیادی درباره سلیقه‌ای یا ضابطه‌مند بودن تفسیر کنش‌ها صورت گرفته است. ما نیز در جای خود ضمن بررسی این دیدگاه‌ها، اثبات کرده‌ایم که تفسیر امری روشمند و ضابطه‌مند است (شریفی، ۱۳۹۵، ص ۴۱۲-۴۳۳). البته منظور از قاعده‌مندی تفسیر، این نیست که در تفسیر همه آسیب‌ها در همه جوامع و نسبت به همه گروه‌ها باید از یک یا چند قاعده خاص تبعیت کرد. چراکه اساساً کنش‌های آدمیان محصولاتی فرهنگی‌اند و مطالعه مقوله‌های فرهنگی و اجتماعی را نمی‌توان به صورت جهان‌شمول انجام داد. به تعبیر پیتر وینچ، تفسیر کنش‌های انسانی به مثابه زبان و پول است (وینچ، ۱۳۷۲). هر چند همه جوامع انسانی برخوردار از این دو هستند، اما قواعد و ضوابط هر کدام از اینها در هر جامعه‌ای متفاوت با جوامع دیگر است. در عین حال، این تفاوت به معنای بی‌ضابطه بودن آنها نیست.

۲. اصل دوم. تأثیرپذیری از بینش‌ها و گرایش‌ها

گزاره اصلی: برای راهیابی به ذهنیت کنشگران، باید بینش‌ها و گرایش‌های آنان را نیز فهمید.

توضیح: با توجه به تأثیرپذیری کنش‌ها از بینش‌ها و گرایش‌ها و ارتباط تنگاتنگی که میان این سه مسئله وجود دارد، برای دستیابی به معانی و مرادفات مبتلایان به آسیب‌ها، چاره‌ای جز فهم بینش‌ها و گرایش‌های آنان نیست. به تعبیر فلاسفه، کنش، محصول و معلول بینش و گرایش است. بنابراین، زمانی می‌توان فهمی درست از کنش، به عنوان یک معلول، داشت که درکی درست از علل آن یعنی بینش‌ها (تصورات و تصدیقات) و گرایش‌ها یعنی شوق‌ها و عواطف و امیال کنشگران داشته باشیم. به هر حال، رابطه بینش، گرایش و کنش به قدری تنگاتنگ است که حتی متخصصان و آگاهان می‌توانند با مطالعه کنش‌ها، به گرایش‌های افراد و همچنین بینش‌های واقعی آنان پی ببرند. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «و اگر ما بخواهیم آنها را به تو نشان می‌دهیم تا آنان را با قیافه‌هایشان بشناسی، هر چند می‌توانی آنها را از طرز سخنانشان بشناسی؛ و خداوند اعمال شما را می‌داند» (محمد: ۳۰). امیرمؤمنان در سخنی حکیمانه می‌فرماید: «کسی چیزی را در دل پنهان نکرد جز آنکه در لغزش‌های زبان و رنگ رخسارش، آشکار خواهد گشت» (نهج البلاغه، ح ۲۶).

۳. اصل سوم. به‌کارگیری روش‌های درون‌کاو

گزاره اصلی: برای تفسیر آسیب‌های اجتماعی باید از روش‌های درون‌کاو استفاده کرد.

توضیح: روش‌های تحقیق از یک نظر به دو دسته عمده روش‌های برون‌کاو و روش‌های درون‌کاو تقسیم می‌شوند. منظور ما از روش‌های برون‌کاو، روش‌هایی است که بر تحلیل ظواهر پدیده‌ها، بیان همبستگی‌ها، آمارها و تحلیل‌های آماری و امثال آن تمرکز دارند. منظور از روش‌های درون‌کاو، که صرفاً در تحقیقات علوم انسانی به کار می‌آیند، روش‌هایی است که می‌خواهند به حاق معانی و انگیزه‌ها و مرادات کنشگران راهی پیدا کنند. روش‌هایی مثل مصاحبه، پرسش، مشارکت، و به‌طورکلی روش‌های تفهیمی را می‌توان از این سنخ به‌شمار آورد. به هر حال، به اعتقاد ما، روش‌های درون‌کاو از جمله بهترین روش‌ها برای «تفسیر» کجروی‌ها و آسیب‌ها هستند. درون‌کاو، انگیزه‌دانی و نیت‌خوانی کنشگران و دستیابی به قواعدی در این خصوص، تنها راه تفسیر و معناکاو کنشگران آسیب‌های اجتماعی است. با استفاده از پرسش‌نامه، مصاحبه‌های باز، و مشاهده مشارکتی و روش تفهیمی می‌توان به دنیای درون چنین افرادی پی برد. در این نوع روش‌ها، محقق به مثابه یک دانش‌آموز و یادگیرنده، فقط و فقط به دنبال فهم مافی الضمیر چنین افرادی است. محقق باید به جایی برسد که بتواند با عینک بزهداران و از دریچه ذهن و قلب آنان به پدیده‌ها نگاه کند.

۴. اصل چهارم. سنجش‌پذیری

گزاره اصلی: تفسیر باید مستند و متکی به شواهد و قرائن سنجش‌پذیر باشد.

توضیح: در صورتی که محقق بخواهد دیدگاه از پیش تعیین شده خود را بر واقعیت‌ها و رفتارهای مورد مطالعه تحمیل کند، هم خود را از فهم حقیقت محروم کرده، هم دانشی بی‌ثمر و بیهوده تولید کرده است و هم ممکن است سیاستگذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های کارگزاران و مدیران جامعه را در مواجهه با آسیب‌ها به انحراف بکشاند. بنابراین، یکی از شرایط و اصول مهم روش‌شناختی آسیب‌های اجتماعی، پرهیز از تفسیر به رأی در مقام تفسیر است. بهترین راه برای پرهیز از تفسیر به رأی این است که تفسیر ارائه شده از سوی محقق همراه با قرائن و شواهد باشد، قرائن و شواهدی غیراختصاصی و قابل عرضه و سنجش عمومی.

اصول روش‌شناختی تبیین آسیب‌های اجتماعی

چهارمین رسالت در مطالعات توصیفی آسیب‌شناسی اجتماعی، رسالت تبیین و تلاش برای پاسخ‌یابی سؤال از چرایی و علل و عوامل شکل‌گیری یک آسیب است. منظور از تبیین در اینجا، یعنی نشان دادن علت و چرایی وقوع یک آسیب اجتماعی. دو مرحله قبلی، صرفاً مقدمه‌ای برای این مرحله‌اند. به خودی خود اصالت و ارزشی ندارند. آنچه که برای یک اندیشمند علوم اجتماعی از اصالت برخوردار است، «تبیین» یا کشف چرایی یک پدیده است. هرگونه کوتاهی یا سهل‌انگاری در این مرحله، موجب انحراف در سایر گام‌های مطالعات آسیب‌شناسی نیز خواهد شد. اشتباه در تشخیص بیماری و علت بیماری، موجب اشتباه در درمان و دستورالعمل نیز خواهد شد. همان‌گونه که چنین اشتباهاتی در بیماری‌های جسمی ممکن است به مرگ بیمار منجر شود، اشتباه در تشخیص علل و عوامل

بیماری‌های اجتماعی نیز ممکن است به بحران اجتماعی و حتی انحطاط و زوال هویت اجتماعی یک جامعه منجر شود. در تبیین آسیب‌های اجتماعی، نظریه‌های مختلفی مطرح شده است (ر.ک: ستوده، ۱۳۷۹؛ ممتاز، ۱۳۸۱).

۱. نظریه‌های روان‌شناختی که بیشتر بر جنبه فردی شکل‌گیری آسیب‌ها و طبیعتاً درمان آنها تأکید دارند (برای مثال، ر.ک: روحانی قوچانی، ۱۳۹۲)؛

۲. نظریه‌های اجتماعی، که بر ساختارها و روابط اجتماعی، اعم از روابط اقتصادی (ر.ک: رفیع‌پور، ۱۳۸۸)، ساختارهای اطلاع‌رسانی (ر.ک: علیی و همکاران، ۱۳۹۵)، مسائل خانوادگی (نایی و لطفی، ۱۳۹۴) و امثال آن به‌عنوان عامل یا عوامل اصلی شکل‌دهنده آسیب‌های اجتماعی انگشت تأکید می‌گذارند؛

۳. نظریه‌هایی که عوامل اعتقادی و دینی یا علل نگرشی و بینشی را به‌عنوان علت اصلی آسیب‌های اجتماعی معرفی می‌کنند؛

۴. نظریه‌های سیاسی و حاکمیتی که بر نقش قدرت و دولت در شکل‌گیری یا درمان آسیب‌های اجتماعی تأکید دارند (ر.ک: بیات، ۱۳۸۷).

تنوع دیدگاه‌ها در تحلیل و تبیین آسیب‌های اجتماعی نشانگر پیچیدگی و دشواری دستیابی به علت پدیده‌های اجتماعی و کشف عوامل اصلی شکل‌گیری یک آسیب اجتماعی است. به هر حال، به منظور اطمینان علمی و اقتناع معرفتی در مسیر علت‌کاوی آسیب‌های اجتماعی لازم است اصول و قواعدی را مراعات کرد که در ادامه به اهم آنها اشاره خواهیم کرد:

۱. اصل اول. برخورداری از نگاهی کثرت‌گرایانه

گزاره اصلی: در علت‌یابی آسیب‌های اجتماعی باید نگاه کثرت‌گرایانه داشت.

توضیح: با توجه به تو در تو بودن ابعاد مختلف حیات بشری و ماهیت پدیده‌های انسانی، روشن است که نمی‌توان مسائل اجتماعی را به صورت تک‌عاملی دید. توضیح آنکه پدیده‌های اجتماعی و انسانی، پدیده‌هایی «هدفمند»، «وابسته به آگاهی، اراده و اختیار»، «معنادار»، «وابسته به نیازها»، «وابسته به موقعیت‌های زمانی و مکانی» و «تابع جهان‌بینی و نظام ارزشی کنشگران» هستند (ر.ک: شریفی، ۱۳۹۴، ص ۱۱۸-۱۴۲). طبیعتاً چنین پدیده‌هایی را نمی‌توان تک‌عاملی دیده و با تکیه بر یک منبع تبیین کرد. علل و عوامل آشکار و نهان فراوانی دست به دست هم می‌دهند که یک پدیده اجتماعی شکل می‌گیرد. فهم و درک آنها به ذهنی کثرت‌اندیش و چشمی کثرت‌بین نیازمند است. هنجارهای فردی، خانوادگی و اجتماعی، ساختارهای اقتصادی، مسائل سیاسی و روابط قدرت، فضای فرهنگی و اجتماعی، ارتباطات بین‌المللی و امثال آن همگی در شکل‌گیری آسیب‌ها نقش‌آفرین می‌باشند. افزون بر همه این عوامل، نقش اراده و اختیار افراد را نیز نباید نادیده گرفت.

به عبارت دیگر، آسیب‌های اجتماعی، امور ذواضلاع و کثیرالابعادند؛ هم دارای علل فاعلی‌اند و هم علل غایی. از طرفی در سلسله نظام علی و معلولی، ترتبی میان علل مادی و متافیزیکی وجود دارد، همه اینها نشان می‌دهد که حصرگرایی در تبیین کاری اشتباه و غیرعلمی است. حصرگرایی، یکی از بزرگ‌ترین آفات تحلیل‌هایی است که درباره آسیب‌های اجتماعی صورت می‌گیرد. برای نجات از این بله، باید در مطالعات خود به تبیین‌های طولی و عرضی به صورت همزمان توجه داشته باشیم. منظور از تبیین‌های طولی از یک آسیب عبارت است از: تبیین‌های تجربی، فلسفی، عرفانی و دینی. همچنین منظور از تبیین‌های عرضی، یعنی توجه همزمان به علل و عوامل روان‌شناختی، جامعه‌شناختی، اقتصادی، حقوقی، سیاسی، تاریخی و امثال آن. به هر حال، محقق باید تلاش کند حتی الامکان، شرایط لازم و کافی شکل‌دهنده به یک آسیب اجتماعی را به دست آورد.

به همین دلیل، در متون دینی نیز در تبیین برخی از آسیب‌های اخلاقی به علل و عوامل مختلف شکل‌دهنده آنها اشاره شده است. برای مثال، قرآن کریم در تبیین پدیده فرزندکشی در دوران جاهلیت، هم به عوامل اقتصادی اشاره می‌کند و هم به عوامل جامعه‌شناختی و روان‌شناختی. خداوند در سوره اسراء می‌فرماید: «وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ خَشْيَةً إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَإِيَّاكُمْ إِنَّ قَتْلَهُمْ كَانَ خِطْأً كَبِيرًا» (اسراء: ۳۱)؛ همچنین در سوره نحل می‌فرماید: «وَإِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُمْ بِالْأُنثَىٰ ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا وَهُوَ كَظِيمٌ يَتَوَارَىٰ مِنَ الْقَوْمِ مِنْ سُوءِ مَا بُشِّرَ بِهِ أَيُمْسِكُهُ عَلَىٰ هُونٍ أَمْ يَدُسُّهُ فِي التُّرَابِ أَلَا سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ» (نحل: ۵۸-۵۹).

به‌عنوان نمونه‌ای دیگر، در مسئله روابط جنسی نامشروع (زنا) ائمه اطهار (ع) به علل و عوامل مختلفی اشاره کرده‌اند:

یک. فسق جویی مرد: یکی از عوامل گرایش زنان به زنا، فسق جویی مردان آنان دانسته شده است. در حدیثی چنین می‌خوانیم: «از جمله مسائلی که خداوند به موسی بن عمران (ع) وحی کرد این بود که ای موسی، کسی که با دیگران زنا کند، با او زنا خواهد شد حتی اگر در نسل‌های بعدی او باشد. ای موسی پاکدامن باش تا منسوبان تو پاکدامنی کنند» (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۲۱، ح ۴۹۸۱). بر اساس این روایت، یکی از علل و عوامل پنهان گرایش زنان به روابط نامشروع، فسق جویی مردان آنان است.

دو. بی‌غیرتی فرد: امام علی (ع) در حدیثی بر عامل شخصیتی مسئله تأکید شده و فرموده‌اند، انسانی که اهل غیرت باشد، هرگز زنا و روابط نامشروع نمی‌گردد: «مَا زَنَىٰ غَيْرُ قَطُّ» (نهج البلاغه، ح ۳۰۵).

سه. ضعف ایمان: امام رضا (ع) در حدیثی می‌فرمایند: «انسان مؤمن در حال ایمان مرتکب زنا نمی‌شود» (الفقه المنسوب الی الامام الرضا، ۱۴۰۶، ص ۲۷۵). این نشان می‌دهد که ضعف و سستی در باورهای دینی، از علل و عوامل گرایش به روابط نامشروع جنسی است.

چهار. عدم پرداخت خمس و حقوق مالی واجب: امام صادق (ع) در پاسخ این سؤال که عامل ارتکاب زنا

چیست، فرمودند: «مِنْ قَبْلِ خُمْسِنَا أَهْلَ الْبَيْتِ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۵۴۶).

شش. بی‌مبالاتی زن و شوهر در روابط جنسی مشروع خود و عدم رعایت اخلاق زناشویی در نزد فرزندان و کودکان: امام صادق (ع) می‌فرماید: بی‌مبالاتی همسران در روابط زناشویی ممکن است موجب گرفتار شدن فرزندان آنان به زنا شود: «لَا يَجَامِعُ الرَّجُلُ امْرَأَتَهُ وَلَا جَارِيَتَهُ وَ فِي الْبَيْتِ صَبِيٌّ فَإِنَّ ذَلِكَ مِمَّا يورثُ الزُّنَا» (همان، ج ۵، ص ۴۹۹).

هفت. بی‌مبالاتی به سایر احکام الهی: امام علی (ع) در بیان قبیح‌تر بودن شراب‌خواری نسبت به زنا و دزدی می‌فرماید: «احتمال ارتکاب زنا و دزدی و قتل و ترک نماز، توسط کسی که شرب خمر می‌کند، زیاد است» (همان، ج ۶، ص ۴۰۳). این روایت نشان می‌دهد که زنا به‌عنوان آسیبی درجه دو و به‌عنوان محصول کجروی‌های دیگری مثل شرب خمر و امثال آن است.

هشت. گوش سپردن به تغنیات: از پیامبر اسلام (ص) نقل شده است: «الْغِنَاءُ رُفِيَهُ الزُّنَا» (شعیری، بی‌تا، ص ۱۵۴)؛ غنا نردبان زنا است. این نشان می‌دهد که گوش دادن به موسیقی‌ها و آوازهای مبتذل و نامشروع از جمله عوامل زمینه‌ای زنا است.

۲. اصل دوم. سنجش‌پذیری

گزاره اصلی: تبیین باید سنجش‌پذیر باشد.

توضیح: هر نوع تبیینی که از آسیب‌های اجتماعی ارائه می‌دهیم، (اعم از تبیین‌های عرضی یا طولی، تبیین‌های ماورائی یا تجربی، تبیین‌های دینی و اخلاقی و اعتقادی، یا تبیین‌های اقتصادی و اجتماعی و روان‌شناختی) باید سنجش‌پذیر باشد. یعنی قابلیت ارزیابی و نقد علمی را داشته باشد؛ بتوان آن را به صورتی معقول و بدون استناد به مبانی و منابع شخصی و سلیقه‌ای، اثبات یا رد کرد. البته روشن است که سنجش هر تبیینی وابسته به نوع آن است؛ تبیین‌های تجربی باید از نظر تجربی سنجش‌پذیر باشند؛ همان‌طور که تبیین‌های دینی باید با توجه به معیارها و ضوابط تفسیر متون دینی، سنجش‌پذیر باشند.

۳. اصل سوم. لزوم تحویل‌گرایی

گزاره اصلی: محقق باید بتواند از میان علل متکثر، علل اصلی و بنیادین شکل‌دهنده به پدیده مورد نظر را تشخیص دهد.

توضیح: محقق آسیب‌های اجتماعی، برای جلوگیری از سردرگمی و شناخت عامل یا عوامل اصلی، لازم است بعد از اشباع در مقام جست‌وجوی از علل و عوامل، تلاش کند آنها را به علل اصلی و فرعی تبدیل کند. یعنی از میان آنها بتواند علت یا علل اصلی را کشف کند. به عبارت دیگر، محقق باید تلاش کند نوعی تحویل‌گرایی در تبیین را به

کار گیرد. این کار موجب می‌شود که در پیش‌بینی وضعیت آینده آن آسیب و همچنین در کنترل و درمان آن هدفمندتر و دقیق‌تر عمل کند.

۴. اصل چهارم. کارآمدی

گزاره اصلی: تبیین باید کارآمد باشد.

توضیح: تبیین کارآمد، تبیینی است که بتواند علل و عوامل واقعی شکل‌گیری آسیب مورد نظر را به دست دهد. برای مثال، تبیین‌های اقتصادی از پدیده چشم‌چرانی نمی‌تواند کارآمد باشد، همان‌طور که تبیین‌های دینی و اعتقادی از مشکلات حاشیه‌نشینی ارائه دادن نمی‌تواند چندان راه‌گشا باشد.

اصول روش‌شناختی پیش‌بینی آسیب‌های اجتماعی

واپسین رسالتی که محققان علوم اجتماعی در مطالعات توصیفی آسیب‌های اجتماعی بر عهده دارند، رسالت پیش‌بینی است. پیش‌بینی، یعنی توصیف وضعیت یک پدیده در آینده‌ای مشخص. پیش‌بینی وضعیت آینده آسیب‌های اجتماعی می‌تواند در برنامه‌ریزی مواجهه با آنها مفید باشد. اهمیت این مسئله تا جایی است که امام علی (ع) آن را از ویژگی‌های عقل و انسان‌های عاقل دانسته و می‌فرماید: «عقل عبارت است از: اندیشه کردن در عواقب امور و رضایت دادن به قضای الهی» (تمیمی آمدی، ۱۴۰۷ق، ص ۲۳۲). همچنین حضرت در توصیه‌ای به فرزندشان امام حسین (ع) می‌فرماید: «کسی که بدون بررسی پیامدها، در کارها فرو رود، به تحقیق که خود را در معرض مصیبت‌ها قرار داده است» (ابن‌شعبه حرانی، ۱۳۶۳، ص ۹۰). پیش‌بینی را می‌توان محصول مراحل پیشین دانست. به هر میزان که توصیف، تفسیر و تبیین آسیب‌های اجتماعی دقیق‌تر و عالمانه‌تر و واقع‌بینانه‌تر باشد، به همان میزان نیز می‌توان از پیش‌بینی‌های دقیق و واقع‌بینانه و عالمانه سخن گفت.

۱. اصل اول. دشواری پیش‌بینی

گزاره اصلی: پیش‌بینی وضعیت آینده آسیب‌های اجتماعی کاری دشوار است.

توضیح: پیش‌بینی بسیاری از مسائل اجتماعی کاری پیچیده و سخت است؛ تا جایی که عده‌ای آن را، دست‌کم درباره‌ی پاره‌ای از مسائل ناممکن پنداشته‌اند؛ زیرا اولاً، عوامل بسیاری در شکل‌گیری و کنترل آسیب‌های اجتماعی دخیل‌اند که بسیاری از آنها تحت کنترل و در اختیار ما نیستند. ثانیاً، خود پیش‌بینی در صورتی که از سوی افراد یا مراکز معتبر و معتمد اعلام شود، می‌تواند خودستیز باشد. یعنی اعلام وقوع یک پدیده اجتماعی و انسانی در آینده‌ای مشخص، خودش می‌تواند وضعیت پیش‌بینی شده را تسریع کند. مثلاً، به جای آنکه آن پدیده در یک سال دیگر رخ دهد، در یک ماه آینده شکل گیرد! این بدان دلیل است که کنش‌های فعلی افراد، متأثر از پیش‌بینی‌ها هستند. به تعبیر آلن راین: «کسی که به خبرگی در امور مالی نامبردار است، اگر روزی اظهار کند که قیمت فلان

سهام افزایش خواهد یافت، همین سخن او کافی است که کاروان خریداران سهام را به شتاب، برای خرید سهم روانه کند تا همان فزونی قیمت را که او پیش‌بینی کرده تحقق بخشند» (راین، ۱۳۶۷، ص ۲۴۶-۲۴۷).

۲. اصل دوم. عدم قطعیت

گزاره اصلی: در مطالعات آسیب‌شناسی نباید دنبال پیش‌بینی‌های قطعی بود.

توضیح: همان‌طور که اشاره شد، پیش‌بینی عبارت است از: «توصیف پیشاپیش». این زمانی می‌تواند به صورتی قطعی انجام شود که شخص پیش‌بین از همه علل و عوامل وجودی یک پدیده در آینده‌ای مشخص مطلع باشد. اما با توجه به محدودیت علوم انسان، و عدم احاطه او بر علت تامه پدیده‌های انسانی، طبیعتاً پیش‌بینی نیز قطعیت نخواهد داشت. در عین حال، این به معنای ناممکن بودن پیش‌بینی در مسائل اجتماعی و انسانی نیست، بلکه در نهایت نشان می‌دهد که پیش‌بینی قطعی در این مسائل نادرست است؛ اما به دلیل قواعد و قوانین حاکم بر رفتارهای فرد و جامعه و به دلیل سنت‌های تاریخی و اجتماعی و با مطالعه روند شکل‌گیری، پیشرفت، تقویت و تضعیف پدیده‌های انسانی، می‌توان به صورتی ظنی و تا حدودی اطمینان‌آور وضعیت آینده را پیش‌بینی کرد.

با توجه به قاعده‌مندی نظام هستی، میان وضعیت موجود با وضعیت آینده، ارتباطی تنگاتنگ وجود دارد؛ همه موجودات طبیعی بر یکدیگر تأثیر گذاشته و از یکدیگر تأثیر می‌پذیرند. هیچ‌کنش واقعاً منفردی در مجموعه کنش‌های آدمیان نمی‌توان یافت. بنابراین، به هر میزان که بتوان به روابط علی و معلولی میان کنش‌ها دست یافت، به همان میزان می‌توان وضعیت آینده آنها را نیز پیش‌بینی کرد. البته با توجه به اعتقادات راستینی چون قضا و قدر الهی و اختیاری بودن افعال انسانی، طبیعتاً نمی‌توان به طور قاطع وضعیت آینده را پیش‌بینی کرد.

۳. اصل سوم. سنجش‌پذیری

گزاره اصلی: پیش‌بینی باید متکی بر داده‌های کمی و کیفی و در نتیجه قابل سنجش علمی باشد.

توضیح: پیش‌بینی زمانی، می‌تواند به‌عنوان کاری عالمانه و رسالتی تحقیقی شناخته شود که سنجش‌پذیر باشد. پیش‌بینی زمانی می‌تواند سنجش‌پذیر باشد که به صورتی روش‌مند از داده‌های کمی و کیفی به‌دست آمده باشد. سنجش‌پذیری پیش‌بینی، تفاوت آن را با مقوله‌هایی مثل پیشگویی، غیب‌گویی، علوم غریبه، جادوگری، آرزواندیشی‌های خیالی و امثال آن، مشخص می‌کند.

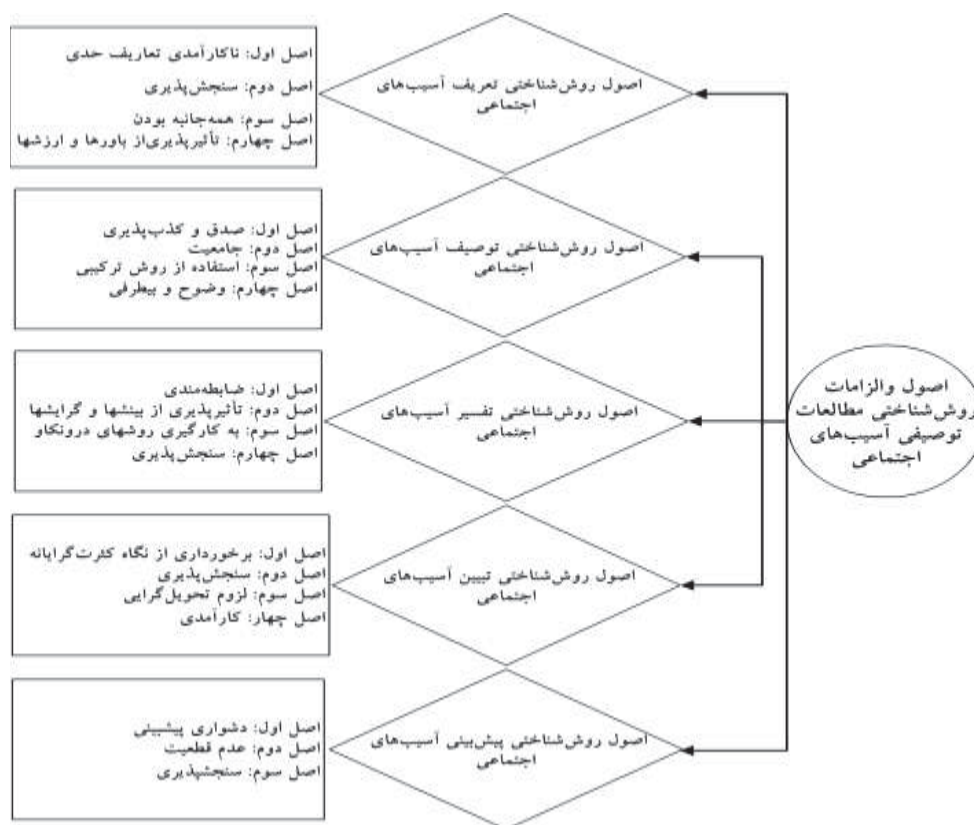
جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

یک. روش‌شناسی مطالعات آسیب‌های اجتماعی را دست‌کم در دو سطح می‌توان بررسی کرد: روش‌شناسی مطالعات توصیفی و روش‌شناسی مطالعات تجویزی. این مقاله، متکفل بررسی سطح اول است.

دو. تکنیک‌ها و انواع بسیار متنوعی برای تحقیق در علوم اجتماعی به طور عام و مطالعات آسیب‌شناسی به طور خاص بیان شده است. اما در این میان، توجه به اصول و الزامات روش‌شناختی این دسته از مطالعات تا حدودی مغفول مانده است.

سه. با توجه به رسالت‌های مختلفی که مطالعات توصیفی آسیب‌شناسی بر عهده دارند، در این مقاله تلاش شد اهم اصول و الزامات روش‌شناختی تعریف، توصیف، تفسیر، تبیین و پیش‌بینی آسیب‌های اجتماعی بیان شود.

چهار. در مجموع ۱۹ اصل روش‌شناختی را (به گونه‌ای که در جدول ذیل آمده است) در این مقاله بیان کردم که رعایت آنها می‌تواند درصد بالایی از اطمینان علمی و معرفتی را برای محققان به ارمغان آورد.



منابع

- نهج البلاغه، (۱۳۷۹)، ترجمه محمد دشتی، قم: بی‌نا.
- ابن‌شعبه حرانی، حسن بن علی، (۱۳۶۳)، تحف العقول عن آل الرسول، تصحیح علی‌اکبر غفاری، قم: جامعه مدرسین.

- بیات، بهرام، (۱۳۸۷)، *فراتحلیل آسیب‌های اجتماعی و جرائم*، تهران: نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران - معاونت اجتماعی.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد، (۱۴۰۷ق)، *غررالحکم و دررالکرم*، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- حسین‌زاده دلیر، کریم، (۱۳۷۰)، «حاشیه‌نشین: در جست‌وجوی معنی و مفهوم»، *اطلاعات سیاسی - اقتصادی*، دوره پنجم، ش ۴۵-۴۶، ص ۶۴-۶۸.
- خندان، علی‌اصغر، (۱۳۷۹)، *منطق کاربردی*، تهران: سمت.
- دورکیم، امیل، (۱۳۷۸)، *خودکشی*، ترجمه نادر سالارزاده امیری، تهران: علامه طباطبائی.
- راین، آلن، (۱۳۶۷)، *فلسفه علوم اجتماعی*، ترجمه عبدالکریم سروش، تهران: علمی و فرهنگی.
- رفیع‌پور، فرامرز، (۱۳۸۲)، *تکنیک‌های خاص تحقیق در علوم اجتماعی*، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- _____، (۱۳۸۸)، *سرطان اجتماعی فساد*، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- رفیعی، حسن و همکاران، (۱۳۸۷)، *روش‌های تحقیق بین رشته‌ای در اعتیاد و سایر مشکلات و انحرافات آسیب‌های اجتماعی (کیفی و کمی)*، تهران: دانژه.
- روحانی قوچانی، عزت، (۱۳۹۲)، *بررسی تأثیر فردگرایی بر روی آسیب‌های اجتماعی در دختران دبیرستانی شهر تهران*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه الزهراء.
- ستوده، هدایت‌الله، (۱۳۷۹)، *آسیب‌شناسی اجتماعی*، تهران: آوای نور.
- شریفی، احمدحسین، (۱۳۹۴)، *مبانی علوم انسانی اسلامی*، چ دوم، تهران: مرکز پژوهش‌های علوم انسانی اسلامی صدرا.
- _____، (۱۳۹۵)، *روش‌شناسی علوم انسانی اسلامی*، تهران: مرکز پژوهش‌های علوم انسانی اسلامی صدرا.
- شعیری، محمدبن محمد، (بی‌تا)، *جامع‌الأخبار*، نجف: مطبعة حیدریه.
- صدوق، محمدبن علی، (۱۴۱۳ق)، *من لا یحضره الفقیه*، تصحیح علی‌اکبر غفاری، چ دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- علیی، محمدولی و همکاران، (۱۳۹۵)، «*واکاوی کاربست رسانه ملی در ارتقای سرمایه اجتماعی (با تأکید بر آسیب‌شناسی امنیت فرهنگی)*»، راهبرد دفاعی، دوره چهاردهم، ش ۵۴، ص ۱۲۵-۱۵۴.
- فرانکفورد، چاوا و دیوید نجمیاس، (۱۳۹۰)، *روش‌های پژوهش در علوم اجتماعی*، ترجمه فاضل لاریجانی و رضا فاضلی، تهران: سروش.
- فرخ‌وندی، امیر، و همکاران، (۱۳۹۴)، «*بررسی نگرش جوانان به کجروانه و ناهنجار بودن پدیده تکدی‌گری (مورد مطالعه: جوانان شهرستان شوش)*»، توسعه اجتماعی، دوره نهم، ش ۳، ص ۱۴۱-۱۷۴.
- *الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا (ع)*، (۱۴۰۶ق)، مشهد: مؤسسه آل‌البیت (علیهم السلام).

- کلینی، محمدبن یعقوب، (۱۴۰۷ق)، *الکافی*، ج چهارم، تهران: دارالکتب الإسلامیة.
- کرباسی، محمدعلی، (۱۳۸۲)، *کتاب‌شناسی آسیب‌های اجتماعی*، تهران: امیرکبیر.
- محمدپور، احمد، (۱۳۸۹)، *روش در روش؛ درباره ساخت معرفت در علوم انسانی*، تهران: جامعه‌شناسان.
- محمدی، بیوک، (۱۳۸۷)، *درآمدی بر روش تحقیق کیفی*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- مصباح‌یزدی، محمدتقی، (۱۳۹۱)، «*اسلام و پیشگویی آینده؛ فرصت‌ها و تهدیدها*»، اسلام و پژوهش‌های مدیریتی، سال اول، ش ۴، ص ۵-۱۷.
- ممتاز، فریده، (۱۳۸۱)، *انحرافات اجتماعی: نظریه‌ها و دیدگاه‌ها*، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- نایی، هوشنگ و بهنام لطفی، (۱۳۹۴)، «*تأثیر روابط و پیوندهای خویشاوندی بر میزان آسیب‌های اجتماعی در استان‌های کشور*»، بررسی مسائل اجتماعی ایران، دوره ششم، ش ۱، ص ۱-۲۶.
- نظرزاد، نرگس، (۱۳۸۱)، *ماهیت و انواع تعریف*، تبریز: دانشگاه تبریز.
- وینچ، پیتر، (۱۳۷۲)، *ایده علم اجتماعی و پیوند آن با فلسفه*، ترجمه سازمان سمت، تهران: سمت.